

که از سر چشمه ی چشم خوشم با زنده رودی خوش
چو در دست است رودی خوش بگو مطرب سرودی خوش
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سر اندازیم

چه دریاها که پنهان است در خم ها به میخانه
ز خیر سر گذشتم تا نهادم پا به میخانه
نوشتم سرنوشتم را به یک اما به میخانه
بغیر از غم نمی افتد کسی از پا به میخانه

بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که از پای حُم ات یکسر به حوض کوثر اندازیم

چرا ای دیده ی بیدار خواب اندر قدح ریزیم
ز مرداب فراموشی حباب اندر قدح ریزیم
بیا در بزم هشیاران شتاب اندر قدح ریزیم
به اشک شادمانی آفتاب اندر قدح ریزیم

شراب ارغوانی را گلاب اندر قدح ریزیم
نسیمِ عطر گردان را شکر در مجمر اندازیم

گنهاری که شب یا قاضی الحاجات می بافد
به جای مهر در محراب موهومات می بافد
سحر با سَرَب خون بر چهره های مات می بافد
دل من زینمه ریب و ریا هیات می بافد

یکی از عقل می لافد یکی طامات می بافد
بیا کاین داوری ها را به پیش داور اندازیم

طبیبان هنر دیگر نمی گیرند نبض ساز
به جز شلاق، حتی آب هم افتاده از آواز
بر آتشبام دل ها هُرم حسرت می کند پرواز
ستم کیشان به جز بسن نفرمودند راهی باز

سخندان و خوشخوانی نمی ورزند در شیراز
بیا حافظ که تا خود را به ملک دیگر اندازیم

از کتاب پالپال



بیا تا گل بر افشانیم

بیا تا ظلمت آباد دل زاهد بر اندازیم
ز غیرت آتشی بر چوب خشک منبر اندازیم
شهر بر جان دیو و دَد ز اشعار تر اندازیم
سلیمان را به حیرت خانه ی انگشتر اندازیم

بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

در آن هنگامه کز هر سوی باران فغان ریزد
فغان از قامت فریاد تا اعماق جان ریزد
ز پای افتد گل و هر دم خزانی در خزان ریزد
زمستان در زمستان در میان استخوان ریزد

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی به هم سازیم و بنیادش بر اندازیم

در این غربت اگر بودم بهر بود و نبود خوش
بکارون و ارس هر شب فرستادم دُرودی خوش
به دفتر گاهی قلم نوشتم یادبودی خوش

یک سینه سخن

مسعود سپند

وطن - وطن - وطن من

شکوه سرخ تن من

شکوفه ی سخن من

وطن - وطن - کفن من

بازچه دستهای خونین ایشان، جان جوان او را
گرفتند به امید اینکه او را از پای بیندازند اما
راهی را که او در آن پای نهاده بود شرط اول
گذشتن از گوهر جان بود و چنین است که باید
گفت او بزرگ بود و از کیمیای شهادت بهره های
فراوان داشت.

سه چهار سال پیش که بهمراه دوست از رفته ام
آراکل خواجه توریانس او را که برای سخن گفتن
به لاس و گاس آمده بود ملاقات کردم چنان روحیه
ی او را قوی و اراده ی او را محکم دیدم که جز
آفرین گفتن به او ارمانی نداشتم که تقدیمش
کنم.



شعر مرا دوست میداشت و بویژه شعر بابک مرا
بسیار پسندید و یکی دو بار هم در برنامه ی
تلویزیونی اش خواند و موجب سپاسگزاری من
شد.

کتاب بسیار میخواند و به دیگران نیز خواندن
کتاب هائی که آبشخور از چشمه ی خرد داشت
توصیه میکرد.

بدون تردید آیندگان در ایران نام رضا فاضلی را
از یاد نخواهند برد و راه او را خرد گرایان میهن
پرست ادامه خواهند داد چرا که او در این روزگار
غم انگیز ایران عزیز بیخاست و تا لحظه ی مرگ
از پای ننشست.

آیندگان در کتاب های درسی دبستان ها خواهند
نوشت اگر بابا نان داد - رضا فاضلی جان داد.

پرایم بسیار سخت است از مرگ رضا فاضلی به
آسانی بگذرد و آن همه فضل و بزرگمردی و
سالاری را نستایم زیرا او بود که در این روزگار
تلخ که سختی ها و بدبختی ها اراده ی انسان ها را
می شکند و از و نیاز دست و پای اندیشه های
نیکو را می بندد او با شمشیر کلام وارد میدان
نبرد شد.

نبرد با دروغ، تزویر و یا نبرد با دزدی و قلم بزدی -
نبرد با خرقه پوشی و میهن فروشی و تنها سلاح او
در این جنگ نابرابر سخن بود، او بزرگ بود و از
کیمیای شهادت فراوان بهره داشت و در راه آزادی
و آبادی میهنش از بذل هستی اش دریغ نداشت و
در این راه بسیار از دلبستگی های زندگی را از
دست داد و سر و گونه در برابر طوفان جهل و جنون
ایستاد و ایستاد تا به ابدیت پیوست.

چون غنچه اگر جامه دریدن نتوانم

از یاد تو ای دوست بریدن نتوانم

گاهی که رها می شوم از این قفس آباد

از قید غم خویش رهیدن نتوانم

آن قطره ی اشکم که پیام آور دریاست

از گوشه ی هر چشم چکیدن نتوانم

طوفانم و زندانی حلقوم سکوتم

بی همت فریاد وزیدن نتوانم

از روزنه ی روز چو یک ذره ی عاشق

جز از دل خورشید دمیدن نتوانم

در باغ جهان خار شدن قسمت من شد

هرچند که در پای خلیدن نتوانم

سربار شدن در خور اندیشه ی من نیست

این بار گران است کشیدن نتوانم

ببزار ز بخشایش کوتاه نظرانم

از سفره ی نامرد چشیدن نتوانم

در خدمت بادی که وزد از چپ و از راست

همپای خس و خار دویدن نتوانم

سنگینی تعظیم مرا می شکند پشت

من سرورم و آزار خمیدن نتوانم

سخنش از دل برمیخاست و از چاشنی خرد بهره
داشت و لاجرم بردل ها می نشست، اگر سنگدلان
و سنگ اندیشان که در خدمت ستمکشانشانند و

پالپال

(چاپ سوم)

دفتر شعر مسعود سپند تجدید چاپ شد.

برای سفارش لطفاً با آدرس زیر تماس حاصل فرمایید:

masoudsepand@yahoo.com

این مجموعه شامل چکامه های تازه سپند نیست.

با ۳/۵ درصد
پیش قسط صاحب منزل
دلخواه خود شوید!

(Loan Amount Max. \$625,500)

برای گرفتن بهترین بهره بدون هزینه
با من تماس حاصل نمائید.

تبدیل وامهای قدیم به جدید

لیست خانه های ضبط شده از طرف بانکها

با ۴.۵ درصد کمیسیون
خانه شما را با قیمت مناسب
بفروش میرسانیم.

Century 21

Alpha Realty

www.kipdreamhomes.com

«ارزیابی رایگان»

1700 Winchester Blvd. Campbell, CA 95008

Dina M. Sokhn

Immigration Attorney

Member of American Immigration Lawyers Association

کلیه امور مهاجرت از قبیل:

♦ جلوگیری از اخراج ♦ تابعیت ♦ ویزای نامزدی ♦ کارت سبز

♦ Asylum ♦ Deportation Defense ♦ Citizenship
♦ Fiance Visa ♦ Green Card ♦ Citizenship Delays
♦ Immigration Consequences of Criminal Activity ♦ Appeals

دینا سخن
وکیل مهاجرت

www.immilaw.net
Dina@immilaw.net

(408)993-0747

15 minutes Free
Consultation

1550 The Alameda, Ste. 207, San Jose, CA 95126

Aigul & Associates

Taxes & Accounting

سام فینی، مشاور مالی

♦ Individual, Business Income Tax
♦ Bookkeeping
♦ Payroll
♦ Sales Tax
♦ Financial Planning
♦ IRS Auditing Representation

♦ مالیات فردی، شرکت یا تجاری
♦ حسابداری
♦ لیست حقوق کارمندان
♦ مالیات فروش
♦ مشاورت مالی
♦ نمایندگی جهت بازرسی IRS

امور مالیاتی و حسابداری شما را در اسرع وقت و با کادری مجرب تهیه و تقدیم می نمائیم

4075 19th Ave.,
San Francisco, CA

AIGUL
ASSOCIATES
REGISTERED ACCOUNTANTS

(415)987-5004

Fax: (415)814-5728

کامران پورشامس آیدین پورشامس

مشاورین املاک و سرمایه گذاری

Kamran Pourshams
Idean Pourshams
Res.: (408) 879-9343
Bus.: (408) 369-2000
Direct: (408) 369-2020
Cell: (408) 781-1200